

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل آیدنولوژیک

داکتر سها
۱۹ جولای ۲۰۱۵

نقد قرآن

۱

مقدمه ای ضروری

با توجه به این که ادیان فراوانی در جهان وجود دارند و افراد زیادی در طول تاریخ ادعای پیغمبری کرده اند؛ عقل ما حکم می کند که ما ادیان مختلف را با بیطرفی و دقت عقلی و علمی مورد بررسی قرار دهیم و اگر دینی را دارای صحت کامل یافتیم از آن تبعیت کنیم. همچنین اگر خدائی در این جهان باشد و بخواد ما را هدایت کند، از بندگانش همین انتظار را دارد. این همان کاری است که این کتاب در پی آنست.

اگر قرآن کتاب خدا باشد باید حداقل دو ویژگی اساسی داشته باشد. اولاً صد در صد و از هر جهتی درست و بدون ضعف باشد. زیرا کلام خداست و خدا عالم و عاقل است و خطا نمی کند. ثانیاً باید دارای معجزه باشد. یعنی چیزهایی داشته باشد که از توان بشر خارج باشند. زیرا از طرفی بیان یا نوشتن چیزی بدون غلط برای بشر محال نیست و از طرف دیگر ممکن است در یک زمان همه مطالب کتابی درست به نظر آید. پس خدا برای این که به بندگانش بفهماند که این کتاب مال خدا است باید پیغمبرش را با معجزه همراهی کند مخصوصاً معجزه ای پایدار که همان کتاب خدا باشد به عبارت دیگر کتاب خدا باید حاوی معجزه باشد.

قرآن مدعی است که معجزه است. یکی به این دلیل که قرآن دارای همه چیز است و دیگر این که صد در صد درست است و سوم این که هیچ کس نمی تواند سوره ای شبیه قرآن بیاورد.

آیاتی که ادعای همه چیز داشتن قرآن را مطرح می کنند عبارتند از:

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱) یوسف

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است (۱۱۱)

وَيَوْمَ نَبُعْثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ (۸۹) نحل

و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم (۸۹)

غلط بودن ادعای همه چیز داشتن قرآن که بدیهی است. همه چیز در هزاران کتاب هم نمی گنجد چه رسد در يك کتاب. این ادعا، مفسرین را سخت به دردرس انداخته است و بعضی ادعا کرده اند که منظور از همه چیز داشتن، همه چیز لازم برای هدایت بشر به سوی خداست. اما این ادعا دو اشکال اساسی دارد اولاً - مگر خدا نمی توانست بگوید "قرآن همه چیز لازم برای هدایت را دارد" به کار بردن همه چیز یعنی همه چیز به طور عام. ثانیاً- این تفسیر با هر دو آیت قبل جور در نمی آید؛ چون هر دو آیت به دنبال همه چیز، هدایت را مطرح کرده اند یعنی قرآن شامل همه چیز هست و شامل هدایت هم هست یعنی هدایت متفاوت از همه چیز است. به علاوه در طی خواندن کتاب حاضر متوجه می شوید که قرآن حتی همه چیز برای هدایت بشر را هم ندارد مثلاً قرآن هیچ استدلال معتبری بر وجود خدا و معاد و وحی ندارد.

قرآن همچنين مدعی است که در آن هیچ انحراف و خطائی نیست.

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸) زمر

قرآنی عربی بی هیچ کژی باشد که آنان راه تقوا پویند (۲۸)

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوْجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲) نساء

آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند (۸۲)

البته همانطور که قبلاً هم گفته شد اگر قرآن کتاب خدا باشد باید صد در صد درست باشد اما کتاب حاضر بیش از هزار غلط فاحش را در قرآن نشان می دهد.

همچنین قرآن از مردم دعوت می کند که شبیه آن بیاورند ابتداء از مخالفان می خواهد که ده سوره شبیه قرآن بیاورند و بعداً تقاضایش را کاهش می دهد و به يك سوره بسنده می کند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۳) هود

یا می گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می گوئید ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید (۱۳)

وَإِنْ كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۳) بقره و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شك دارید پس اگر راست می گوئید سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید (۲۳)

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴) بقره

پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپرهیزید (۲۴)

این مبارزطلبی قرآن يك مغالطه است. چون نوشته هرکس مثل خودش منحصر به فرد است. مثلاً شعر فردوسی و نثر سعدی و غزل حافظ و حتی با دقت علمی، نوشته ها و گفته های افراد عادی هم منحصر به فردند. هیچ کس نمی تواند شعر حافظ یا نثر سعدی یا شعر فردوسی را بگوید. ادیبان مختلف سعی در تقلید از آنان کرده اند ولی موفق نشده اند. آیا این بدان معنی است که شعر حافظ و نثر سعدی و شعر فردوسی معجزه اند؟ به هیچ عنوان.

البته می توان به کمک محمد آمد و این مبارزطلبی قرآن را به روش معقولی تغییر داد. مثلاً می توان گفت که درست است که نوشته های شاعران فوق منحصر به فردند اما از نظر شأن و عظمت و خلاقیت با هم قابل مقایسه اند مثلاً هر سه در قله ادبیات دری قرار می گیرند گرچه به هیچ عنوان مثل هم نیستند.

در پاسخ به این مبارزطلبی قرآن نیز با مطالعه این کتاب متوجه می شوید که نوشته هائی به زیبایی قرآن و بسیار بهتر از آن، در جهان حاضر وجود دارند از جمله شعر حافظ که در قله ادبیات جهانست. ثانیاً از نظر محتوا، گفتن یا نوشتن مطالبی پر از ضعف و غلط از هر کسی بر می آید و نیازی به حافظ و سعدی ندارد و نوشته هائی هم زیباتر و هم پر محتواتر از قرآن هم بسیار وجود دارند مثل مثنوی مولانا.

روش استدلال این کتاب

روش استدلال این کتاب بسیار ساده است:

-کبری: اگر قرآن از خدا باشد بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است.

-صغری: قرآن پر از خطا و ضعف است و معجزه ای هم ندارد.

-نتیجه: پس قرآن از خدا نیست.

کار این کتاب اثبات صغری است.

منابع کتاب

منابع اسلام دو چیز بیشتر نیست. یکی قرآن و دیگری سنت محمد.

این کتاب چون در پی بررسی قرآنست منبع اولش صرفاً قرآنست و اگر آیتی وضوح کافی نداشت برای فهم معنای آن به سنت مراجعه می شود. سنت هم فقط سنت معتبر، شامل کتب معتبر احادیث نبی، مخصوصاً صحیحین بخاری و مسلم، و شامل سیره رسول الله ابن اسحق و ابن هشام و تاریخ طبری. به معتبرترین تفسیرهای موجود هم مراجعه می شود برای این که مفهوم آیتی با توجه به قرآن و سنت روشنتر شود نه این که نظر مفسر، اصل قرار داده شود.

در مورد نویسنده:

اسم روی جلد مستعار است. دکتر واقعی است اما بدون توضیح. ناچارم تا حد امکان خود را معرفی کنم تا خواننده بداند با چه کسی طرف است. من يك محقق. من در همان مدارس دینی که علمای بزرگ اسلامی از آنان برآمده اند سالها درس خوانده ام. مطالعاتم را دهها سال و تا آنجا ادامه دادم که در اکثر علوم اسلامی مثل تفسیر و حدیث و تاریخ اسلام و فقه و فلسفه صاحب نظر شدم و مدتی طولانی مدرس بعضی علوم اسلامی بوده ام. پیوسته مؤمن و عاشق اسلام بوده ام و در طی دهها سال از زندگیم مثل هر عالم دینی دیگر، هرگاه به ضعف یا ایرادی در اسلام برخورد می کردم با گفتن استغفرالله از آن می گذشتم و به خود اجازه نمی دادم که در مورد آن بیندیشم و پیوسته در تلاش بوده ام که اسلام را به عنوان ایده آل ترین و کامل ترین دین معرفی و از آن دفاع کنم و مثل هر عالم دیگری برای دفاع از اسلام به فریب خود و دیگران پرداخته ام.

تا زمانی که از این خودسانسوری و خودفربیی خسته شدم و گفتم اگر اسلام واقعاً از خدا باشد نباید در مقابل انسان کوچکی چون من کم بیاورد. به خود اجازه دادم که ابتداء در مورد احکام حقوقی و سیاسی و اقتصادی اسلام کمی آزادانه بیندیشم؛ چون ترس آن کمتر بود تا مثلاً نقد قرآن. به این نتیجه رسیدم که اسلام دینی ضد حقوق بشر است و راه حل معقول و مطلوبی برای اداره جامعه نوین بشری ندارد و بخش اعظم مشکلات امروز جهان اسلام، ریشه در اسلام

دارد . نتیجه آن کتاب اول من شد " نقد احکام حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام . " پس از مدتها اندیشه و تصور این که در حال سوختن جاودانه در آتش دوزخم، تا حدودی بر ترسم غلبه کردم و به خود اجازه دادم که به تدریج خطاها و ضعفهای قرآن را جمع آوری کنم . نتیجه آن حیرت انگیز بود؛ میزان خطاهای قرآن را خیلی بیشتر از حد تصور یافتم . دیدم که خطاهای قرآن خیلی خیلی بیشتر از کتابهای اندیشمندان بشری است . البته من همه خطاهائی را که یافتم مطرح نکردم . اگر خطائی توسط خودم یا مفسرین قابل توجیه (هرچند ضعیف) بود آن را کنار گذاشتم . یافتم که قرآن کتابی ساخته يك انسان کم اطلاع ۱۴۰۰ سال پیش محیط عربستان است و هیچ ربطی به خدا ندارد .

بیچاره خدا که اینهمه تهمت و افتراء و خطا را به او نسبت داده اند و او از خود دفاع نمی کند . این کتاب به عبارتی دفاع از خداست در مقابل نسبتهای ناروای محمد و نهایتاً آنچه انتظارش را نداشتیم پیش آمد : من کافری شدم تمام عیار و عشق چند ده ساله ام را در پای عظم قربانی کردم .

در نهایت خواهش می کنم این کتاب را بیطرفانه یعنی بدون عشق و نفرت و با تأمل بخوانید و مرا در جریان نقدهایتان قرار دهید .

دکتر س. ها - ۱۳۹۱ خورشیدی